روزنامه مستقل

www.mostaghelnewspaper.ir
@mostaghelnewspaper

ایمیل: mostagheldaily@gmail.com
تلفن: ۲۲۷۶۴۷۹۶ نمابر: ۲۶۶۵۰۸۸۳
نشانی: اختیاریه جنوبی، رازقی شمیرانی، کوچه رز، پلاک ۲۱
سازمان شهرستانها: ۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷ - ۶۹ - ۶۶۵۶۷۷۶۷

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: فریبا عباسی
سردبیر: علی نظری
معاون اجرایی: امیررضا نظری
دبیر سرویس سیاسی: امیر مقدور مشهود
دبیر سرویس فرهنگ‌وهنر: الهام رئیسی
دبیر سرویس اجتماعی : شهلا منصوریه
دبیر سرویس گوناگون: آرش وکیلی
دبیر سرویس اقتصادی: سعید قلیچی
دبیر سرویس بین‌الملل: نفیسه الله‌دادی
گرافیک و صفحه آرایی: حمید کریمی-عاطفه مجیدی
ویراستار: پریا فردوس

در آستان دوست

ای ابر چراست روز و شب چشم تو تر
وی فاخته زار چند نالی به سحر
ای لاله چرا جامه دریدی در بر
از یار جدایید چو مسعود مگر

مسعود سعد سلمان

بورس	انس طلا	مثقال طلا	طلا ۱۸	سکه	دلار	یورو	نفت سبک	نفت برنت
۷۸,۸۶۸.۵	۱,۲۱۳.۲۰	۴,۹۳۵,۰۰۰	۱,۱۳۹,۳۲۰	۱۲,۰۹۹,۰۰۰	۳۷,۹۲۰	۴۳,۶۷۰	۴۴.۳۷	۴۷.۰۱
۱۶۸.۳ (۰.۲۱%)	۱.۵۰ (۰.۱۲%)	۳۲۵۰۰ (۰.۶۶%)	۷۵۱۰ (۰.۶۶%)	۲۰,۰۰۰ (۰.۱۷%)	۴۰ (۰.۱۱%)	۱۰ (۰.۰۲%)	۰.۱۳ (۰.۲۹%)	۰.۲۹ (۰.۶۲%)

مستقیم تا ته امیر آباد...

آرش وکیلی – روزنامه نگار

همه‌چیز با یک «سلام» ساده شروع نمی‌شود! حتی جواب سلام هم با اینکه مهم است ولی نه آن‌قدرها که بخواهد تاریخ را دگرگون کند! با سلام نه کودتا می‌کنند نه ماشین ریش‌تراشی می‌دزدند! این‌همه مسافر هر روز سلام می‌دهند و سوار ماشین او می‌شوند.

رادیو ساعت را اعلام می‌کند و می‌گوید: امروز ۱۸ تیر با بخش شامگاهی رادیو پیام با شما همراه هستیم. مرد یکدفعه پرتاب می‌شود به حدود بیست سال پیش. آن‌وقت‌ها که هنوز موهایش کاملا سیاه بود و بعد از اخراج از دانشگاه یک تاکسی قسطی خرید و افتاد توی مسیر انقلاب تا بجای اینکه با بیکاره‌های مسیر شوش-مولوی سر وکله بزند دانشجوها را به خوابگاه برساند! آن وقت‌ها دانشجوها ارج و قرب داشتند، اینجور نبود که هرکس که از راه می‌رسد یا عمران آزاد خوانده باشد یا مدیریت پیام نور!

این روزها وقتی به انقلاب می‌رسد دیگر نه خبری از دانشجوهای سبیلوی چپ‌گرا هست و نه فوکول کراواتی‌های لیبرال! دیگر حتی کتاب‌فروشی‌ها به شوقش نمی‌آورند؛ به جایش تا دلت بخواهد آدم‌هایی با عینک‌های مدلِ هدایت، به دنبال خرید پایان‌نامه و مقاله از این مغازه به آن مغازه می‌روند. هیچکس غیر از راننده‌ی قدیمیِ خط امیرآباد یادش نمی‌آید که همینجا دوتا مغازه و بانک چطور دود شد و به هوا رفت...

سرش را از پنجره‌ی تاکسی بیرون می‌آورد و داد می‌زند: مستقیم تا ته امیرآباد... ماشین پر می‌شود و مرد بدون اینکه راهنما بزند گازش را می‌گیرد و خودش را از «انقلاب» جدا می‌کند.

هوا گرم است و مسافرها توی گوشی‌هایشان فرو رفته‌اند همانطور که راننده توی خاطراتش گیر کرده و بیرون نمی‌آید. یادش می‌آید همانجا اول خیابان کارگر شمالی، کنار چهارراه جلال‌آل‌احمد، مردم جمع شده بودند و سه خرمن بزرگ آتش به آسمان بلند بود؛ همه به دور آتش‌ها حلقه زده بودند...

آن روزها همه چیز به همه‌کس مربوط می‌شد! آن روزها همه رای داده‌بودند تا سید خوشرو بیاید و مردم دوباره لبخند بزنند. آن روزها مردم سالاری با بهار مطبوعات به ایران قدم گذارده بود.

همین چند روز پیش بود که روزنامه‌ی «سلام» نامه‌ای از سعید امامی را خطاب به وزیر وقت اطلاعات منتشر کرده بود که از وضعیت فرهنگی کشور ابراز نگرانی می‌کرد. آن روزها به همه مربوط می‌شد که سعید امامی همان کسی است که رد پایش بدجوری وسط پرونده‌ی قتل نویسنده‌ها و روشنفکرها جامانده بود و حالا در بازداشت بود! اصلا مردم به دولت اصلاحات رأی داده‌بودند که دیگر این اتفاق‌ها نیفتد! پس این‌چیزها باید به همه مربوط می‌شد.

خوب یادش هست که آن روز پیاده از دانشگاه به سمت کوی می‌رفت. دانشجویان دانشگاه تهران در کوی دانشگاه تجمعی اعتراضی برگزار کرده بودند. دیشب نیروهای لباس شخصی شبانه به کوی ریختند و دانشجوها را کتک زدند.

وقتی جلوی کوی رسیدند مسافرها می‌خواستند پیاده شوند. کرایه‌ها را حساب کرد و جلوی دانشکده فیزیک دور زد. زیر سایه‌ی چنارهای جلوی خوابگاه دخترانه نگه داشت و سیگارش را آتش کرد. رادیو پیام را که دارد از ترافیک سنگین در غرب به شرق همت می‌گوید خفه می‌کند و سی‌دی را توی پخش می‌گذارد، طنین صدای فرهاد توی ماشین می‌پیچد: اینجا بر تخته سنگ، پشت سرم نارنجزار، رو در رو دریا مرا می‌خواند، سرگردان نگاه می‌کنم... می‌آیم... می‌روم... آنگاه در می‌یابم که همه چیز یکسان است و با این حال نیست... آسمان روشن و آبی... کنون تلخ و ملال انگیز...

این روزها همه می‌گویند روحانی باید وزیر کشور و وزیر علومش را عوض کند؛ با خودش فکر می‌کند کدام وزیر کشور در وقت بحران میز وزارت را رها می‌کند و می‌آید وسط آخرین سنگر؟ وزیر علومی که استعفاء داد، رئیس‌جمهوری که گریست... بیست سالی که مستقیم تا امیر آباد موهایش را سپید کرد...

با خودش فکر می‌کند که چه بر سر احساسات کسی می‌آید که یک شب وقتی توی خانه خوابیده، با چوب و چماق و گلوله به او یورش ببرند و از پنجره بیرون بیندازندش!

به این فکر می‌کند که هم‌اتاقی‌هایش چه شدند؟ کجا رفتند؟ چه می‌کنند؟ چه بر سر خودسرها آمد؟ دانشجوهای آن روزها الان کجا هستند؟

یاد حرف‌های مناظره‌ی انتخاباتی می‌افتد و جریان لوله کردن و حملات گازانبری که رئیس جمهور از آن گفته بود... یاد دانشجوهایی می‌افتد که هراسان از روی میله‌های دانشگاه فرار می‌کردند. یاد جزوه‌ها و پایان نامه‌هایی که سوخت، یاد گاز اشک آور، یاد اینکه آن‌وقت‌ها نیروهای خودسر هرچه می‌خواستند می‌کردند.

یاد روزهایی که نمی‌دانست خواب بود یا بیداری... فرهاد هنوز می‌خواند: همه چیز یکسان است و با این حال نیست... آسمان روشن و آبی... کنون تلخ و ملال انگیز... آخرین پک را به سیگار می‌زند و ماشین را استارت می‌کند: سرش را از پنجره‌ی تاکسی بیرون می‌آورد و بلند داد می‌زند: مستقیم... انقلاب...

۱۸ تیر، سقوط کودتای شوم نوژه

کودتای نقاب (با سرواژه «نجات قیام ایران بزرگ») که بعدها به نام کودتای نوژه معروف شد حرکت نظامی بود که چندی پس از به قدرت رسیدن نظام جمهوری اسلامی در ایران، توسط تنی چند از افسران ارتش شاهنشاهی ایران و با تمرکز افسران نیروی هوایی شاهنشاهی برای بازگرداندن شاپور بختیار و حذف امام خمینی (ره) نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی، طرح‌ریزی شده بود.

برنامه در ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ (۹ ژوئیه ۱۹۸۰) با دستگیری و کشته‌شدن تعدادی از عوامل آن فاش شد. پایگاه هوایی شاهرخی (حر) در شهر کبودراهنگ استان همدان مرکز فرماندهی آن بود. فرماندهی کل کودتا به‌دست سپهبد سعید مهدیون (فرمانده سابق نیروی هوایی ایران) و رهبری قسمت نیروی هوایی این کودتا برعهده سرتیپ آیت محققی بود که نباید او را با سپهبد احمدعلی محققی آخرین فرمانده ژاندارمری کل کشور رژیم شاهنشاهی اشتباه گرفت. هدف نخست کودتا حمله هوایی به منزل امام خمینی در تهران و از بین بردن وی و سپس حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد ذکر شده و سپس شکسته‌شدن دیوار صوتی توسط هواپیماهای در دستان کودتاگران که برتری نظامی آن‌ها را به رخ مردم بکشد. همچنین قرار بود ساختمان مجلس و مراکز رادیو و تلویزیون تسخیر و بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی بازداشت شوند. برخی وجوه ماجرای کودتای نوژه همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی‌مانده و درباره تعداد افراد دستگیر شده و تعداد نفرات اعدام شده آمار دقیقی وجود ندارد. در رابطه با نقش برخی روحانیون مانند محمدکاظم شریعتمداری در حمایت از کودتا هم سند مطمئنی در دست نیست. نقش کشورهای خارجی در طرح کودتا نیز همچنان جای سؤال دارد. در این میان، طریق لو رفتن کودتای نوژه نیز نامشخص و مبهم است. حزب جمهوری اسلامی، در آن زمان در تلاش بود تا این کودتا را به حزب جبهه ملی ایران که بختیار هم در آن در گذشته عضو بود نسبت دهد. اما، درنهایت این ماجرا تکذیب شد.

در اعتراض به شرایط نابه‌نجار اخلاقی و مالی فوتبال

مربی سابق تیم ملی امید راننده کامیون شد

سرمربی اسبق تیم ملوان این روزها از فوتبال غافل شده است. محمد احمدزاده که در تمام رده‌های از نوجوانان، جوانان، امید تا بزرگسالان به عنوان مربی در تیم ملی فعالیت داشته و سال‌ها در باشگاه ملوان و برخی دیگر از باشگاه‌ها مربیگری کرده اکنون راننده کامیون شده است.

احمدزاده در حالی به عنوان راننده کامیون مشغول فعالیت است که در همین فصل سه پیشنهاد مربیگری باشگاهی را در لیگ دسته اول و دوم فوتبال ایران رد کرده است.

به نقل از فارس، این مربی دلیل این کارش را شرایط نابهنجار فرهنگی در فوتبال عنوان کرد.

انتشار خبری از اینکه سرمربی پر آوازه ایران این روزها با کامیون کار می‌کند بازتاب‌های گسترده ای را در فضای مجازی داشته است. اینکه این مربی چرا پس از سال‌ها فعالیت در عرصه فوتبال حالا راننده کامیون شده است؟

خبر آن لاین با احمدزاده تماس گرفته تا خودش در این مورد توضیح بدهد. سرمربی سابق ملوان با کنایه می‌گوید: «مگر چه ایرادی دارد؟ کار کردن که عار نیست. رانندگانِ ما از اقشار خوب جامعه هستند که اگر نباشند واقعاً بخشی از اقتصاد این مملکت نمی‌چرخد. دیدم که می‌گویم. اگر آن‌ها خیلی از مواد غذایی و ... را جابجا نکنند چه کسی باید این کارها را انجام بدهد؟ آن‌ها آدم‌های با صداقت با شرافت و سالمی هستند که خداوند نگه‌دارشان باشد.»

از او سوال کردیم که چرا این شغل را انتخاب کرده است که او گفت:«قبلاً یک کامیون خریده بودم که دست راننده بود. پس از اینکه در فوتبال نتوانستم کاری انجام بدهم ماشین را پس گرفتم و خودم دارم روی آن کار می‌کنم.

دارم یک کار مردانه انجام می‌دهم که کسی قدرش را نمی‌داند. راننده‌های عزیز ما زحمات زیادی می‌کشند و کمتر دیده می‌شوند.»

به احمدزاده گفتیم که تصمیمی برای بازگشت به فوتبال ندارد که او این واکنش را نشان داد: «فعلاً که دارم رانندگی می‌کنم. البته یکی دو پیشنهاد از تیم‌های لیگ یکی داشتم اما ترجیحم این است که بیرون گود باشم و به رانندگی‌ام ادامه بدهم. در فوتبال فقط فحش خوردیم و بی‌احترامی دیدیم.

اینجا راحت‌تر هستم. خوبی‌اش این است که اینجا به پولت می‌رسی.

اما در فوتبال قرارداد می‌بندی و اصلا معلوم نیست که چه بلایی سرت خواهد آمد.»

پشت پرده اختلافات تازه کی‌روش و اسدی

بالاخره آقای همیشه‌پیروز، دشمن را از فدراسیون اخراج کرد

ظهر دیروز طی حکمی از سوی رئیس فدراسیون فوتبال، محمدرضا ساکت سرپرست دبیرکلی منصوب شد.

به گزارش مستقل، به نقل از سایت رسمی فدراسیون فوتبال، طی حکمی از سوی مهدی تاج، رئیس فدراسیون، محمدرضا ساکت به عنوان سرپرست دبیرکلی منصوب شد.

در بخشی از حکم رئیس فدراسیون آمده است: با عنایت به تعهد، تخصص و تجارب ارزشمند جنابعالی و با استناد به ماده ۳۸ فدراسیون و به موجب این ابلاغ به سمت سرپرست دبیرکلی فدراسیون منصوب می‌شوید. امید است در راستای مسئولیت جنابعالی، شاهد ارتقاء بیش از پیش فدراسیون باشیم. موفقیت و بهروزی روزافزونتان را در انجام وظایف مهمی که بر عهده دارید از خداوند منان مسئلت داریم.

درگیری رسانه‌ای جدید کارلوس کی‌روش و علی‌رضا اسدی یک بار دیگر بحث اختلاف‌نظرهای شدید این دو را به خبر یک رسانه‌ها تبدیل کرد؛ اختلافی که به نظر می‌رسد خیلی زود با اخراج اسدی به نقطه پایان خود رسید.

به گزارش مستقل به نقل از ایسنا، ماجرا از آنجا آغاز شد که دبیرکل فدراسیون فوتبال نسبت به مطلب منتشر شده در صفحه فیس‌بوک کارلوس کی‌روش واکنش نشان داد و مانند چندماه قبل، علیه سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال صحبت کرد. اختلاف این دو نفر به خیلی قبل‌تر بازمی‌گردد؛ جایی که درگیری لفظی و رسانه‌ای سرمربی تیم ملی و دبیرکل فدراسیون تا مرز ایجاد یک بحران پیش رفت و کار را به استعفای مرد پرتغالی هم کشاند. آن‌روز، مهدی تاج پشت سرمربی تیمش درآمد و اسدی را به خاطر حرف‌هایش توبیخ کرد. عتاب رئیس فدراسیون فوتبال، فصل‌الخطاب شد و دبیرکل، دیگر علیه کی‌روش حرفی نزد و مرد پرتغالی هم سر کار خود بازگشت و تیم ملی به سلامت به جام جهانی ۲۰۱۸ رسید.

حالا بعد از فروکش کردن جشن و شادی پس از صعود به جام جهانی، دوباره بر تنور اختلاف‌ها دمیده شده و آتش از دو سوی فوتبال ایران زبانه می‌کشد؛ نیمکت سرمربی تیم ملی و اتاق دبیرکل فدراسیون.

اما چه شد که زخم کهنه سر باز کرد؟ این پرسشی است که اکنون تمام اهالی فوتبال ایران از خود و یکدیگر می‌پرسند. شاید کمتر کسی دلیل این جنجال تازه را بداند. برای یافتن پاسخ باید به چند هفته قبل بازگردیم و به جلسات هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال و صحبت‌های رئیس فدراسیون با بدنه وزارت ورزش و دبیرکل فدراسیون گوش دهیم.

ماجرا از این قرار است که چندی قبل، دبیرکل فدراسیون فوتبال در جریان برخی تغییرات در بدنه مدیریتی فدراسیون قرار می‌گیرد. این بار، قرعه به نام خود او است. سران فدراسیون فوتبال تصمیم گرفتند که در ادامه تغییرات، دبیرکل جدیدی برگزینند که کار علی‌رضا اسدی را ادامه دهد.

اطمینان اسدی از تغییرش به این دلیل بوده که می‌دانسته حتی وزارت ورزش هم در جریان این تغییر قرار داشته و نسبت به آن مطلع بوده و حتی آن را تأیید کرده است. خود او نیز از رئیس فدراسیون شنیده بود که تصمیم، گرفته شده و تغییر نخواهد کرد.

از سوی دیگر، کارلوس کی‌روش که مدت‌ها قبل به دلیل اختلاف‌های شدیدش با اسدی تصمیم به استعفا گرفته بود و با وساطت تاج، از تصمیمش بازگشته بود، به محض آن که از احتمال تغییر اسدی (بخوانید استعفا) مطلع می‌شود، تصمیم می‌گیرد که تیر خلاص را به دشمن قدیمی‌اش بزند و به نوعی این طور نشان دهد که اختلاف با او، دلیل اصلی برکناری یا استعفای اسدی بوده است. به این ترتیب، کی‌روش هم خواسته خود را فاتح جنگ تیم‌ملی فدراسیون نشان دهد و خود را در جایگاه برنده دعوا بنشاند.

اکنون جدا از بحث و جدل‌های اسدی و کی‌روش در فضای مجازی چیزی که مشخص است، تغییر دبیرکل فدراسیون است و این، اتفاقی است که خیلی زود افتاد. تغییر دبیرکل فدراسیون فوتبال در مقطع کنونی، به هر دلیلی که باشد، می‌تواند فرصت دوباره‌ای برای ترمیم ساختار مدیریتی فدراسیون فوتبال ایجاد کند. این حرف به معنای ضعف شدید اسدی یا نقص فاحش در مدیریت او نیست بلکه می‌تواند فرصتی باشد تا مسند دبیرکلی فدراسیون، نوع دیگری از مدیریت را تجربه کند.

قهرمانی سرمایه، سرمایه قهرمانی در آسیا

تیم والیبال بانک سرمایه با شکست نماینده ژاپن در مرحله نهایی رقابت‌های قهرمانی آسیا، دوازدهمین طلای ایران و دومین عنوان قهرمانی خود در این رقابت‌ها را به دست آورد.

هجدهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های مردان آسیا که از هفتم تیرماه به میزبانی ویتنام آغاز شده بود، امروز (پنج شنبه) با قهرمانی بانک سرمایه به پایان رسید. در دیدار نهایی این رقابت‌ها تیم والیبال بانک سرمایه به مصاف تویودای ژاپن رفت و در سه ست متوالی با امتیازهای ۳۹ بر ۳۷، ۲۵ بر ۱۴ و ۲۵ بر ۲۳ به پیروزی رسید تا برای دومین بار مقام قهرمانی این رقابت‌ها را به دست آورد.

بانکی‌ها در این دوره از رقابت‌ها شش بار به میدان رفتند و در همه بازی‌ها برابر حریفان به پیروزی رسیدند تا والیبال ایران برای دوازدهمین بار بر روی سکوی نخست آسیا در رقابت‌های باشگاه‌های قاره کهن قرار گیرد و سهمیه حضور در رقابت‌های جهانی سال ۲۰۱۸ را نیز به دست آورد.

گذر و نظر

رکاب بزنید، کالری بسوزانید

برای کسب تناسب اندام و کاهش وزن سریع‌تر، دو بار در هفته تمرینات اینتروال را به برنامه دوچرخه‌سواری خود اضافه کنید.

دوچرخه‌سواری یکی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند به کالری سوزی حتی زمانی که سواری آرامی دارید و از نور خورشید لذت می‌برید، کمک کند.

به گزارش مستقل به نقل از «ریدرز دایجست»، به تازگی فهرستی از میزان کالری‌های مصرفی فردی با وزن ۱۵۰ پوند (۶۸کیلوگرم) هنگام دوچرخه‌سواری در سرعت‌های مختلف منتشر شده است. باید به این نکته توجه داشت که افراد سنگین‌تر کالری بیشتری خواهند سوزاند.

طی یک ساعت دوچرخه‌سواری با سرعت ...

کمتر از ۱۰ مایل در ساعت (۱۶ کیلومتر در ساعت) ۲۷۲ کالری خواهید سوزاند.

۱۰ تا ۱۲ مایل در ساعت (۱۶ تا ۱۹ کیلومتر در ساعت) ۴۰۸ کالری خواهید سوزاند.

۱۲ تا ۱۴ مایل در ساعت (۱۹ تا ۲۲,۵ کیلومتر در ساعت) ۵۴۴ کالری خواهید سوزاند.

۱۴ تا ۱۶ مایل در ساعت (۲۲,۵ تا ۲۶ کیلومتر در ساعت) ۶۸۰ کالری خواهید سوزاند.

۱۶ تا ۱۹ مایل در ساعت (۲۶ تا ۳۰,۵ کیلومتر در ساعت) ۸۱۶ کالری خواهید سوزاند.

بیش از ۲۰ مایل در ساعت (۳۲ کیلومتر در ساعت) ۱,۰۸۸ کالری خواهید سوزاند.

افرادی که به تازگی دوچرخه‌سواری را آغاز کرده‌اند می‌توانند سواری با سرعت ۱۰ مایل در ساعت را مد نظر قرار داده و سرعت خود را به ۱۴ مایل در ساعت نیز برسانند. دوچرخه‌سواری را روزانه به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در بیشتر روزهای هفته آغاز کنید و به تدریج، به‌ویژه در روزهای آخر هفته، مدت زمان دوچرخه‌سواری را افزایش دهید. برای کسب تناسب اندام و کاهش وزن سریع‌تر، دو بار در هفته تمرینات اینتروال را به برنامه دوچرخه‌سواری خود اضافه کنید.

برگی از تاریخ

تلخی یک جداسازی ناکام

۱۷ تیر ماه ۱۳۸۲ مصادف با هشتم ژوئیه ۲۰۰۳ لادن و لاله دو خواهر دوقلوی ایرانی که از ناحیه سر «به هم چسبیده» به دنیا آمده بودند در یک بیمارستان سنگاپور در سومین روزی که تحت عمل جراحی قرار داشتند یکی پس از دیگری جان سپردند. نخست لادن درگذشت و ساعتی بعد هم لاله .

جدا کردن دوقلوهای به هم چسبیده که از سال ۱۹۵۲ آغاز شده است اگر در سنین کودکی باشند در حال حاضر امر دشواری نیست، ولی لادن و لاله در بیست و نهمین سال عمر خود زیر عمل جراحی قرار گرفته بودند که در این سن ترمیم سلول‌های عصبی همانند سنین کودکی آسان نیست.

مغز این دو خواهر در لحظه تولّد از هم جدا بود، اما به سبب زندگی طولانی با جمجمه مشترک، به مرور زمان به هم چسبیده بود.

دشواری عمل جراحی در این بود که سرهای دو خواهر علاوه بر عصب‌های مشترک دارای یک ورید بزرگ مشترک بودند که خون را از سر به قلب باز می گردانید و دو تا کردن آن از طریق پیوند زدن باعث ادامه خونریزی و مرگ لادن و لاله شد.

جراحان کشورهای مختلف از جمله آلمان چنین وضعیتی را قبلاً پیش بینی کرده بودند. در جریان عمل، یک گروه بزرگ کارشناس و جراح حضور داشتند و جراح اصلی از آغاز کار قول موفقیت‌آمیز بودن عمل را نداده بود. ولی دو خواهر از ادامه وضعیتی که داشتند خسته شده بودند و ریسک را پذیرفته بودند.

این رویداد از لحظه انتقال دو خواهر از تهران به سنگاپور به دلیل بی‌سابقه بودن کار، توجه رسانه‌ها همه کشورها را به خود جلب کرده بود و پخش آخرین جملات لادن به زبان انگلیسی بارها از شبکه‌های تلویزیونی تکرار و باعث توجه جهانیان به این موضوع شده بود و به همین سبب گزارش در گذشت آنان به صورت یک خبر فوق العاده پخش شد و مردم را در گوشه و کنار جهان متأثر ساخت. بسیاری هم بر مرگ آنان که موفق به داشتن استقلال از یکدیگر نشدند گریستند و این رویداد جایگاهی در تاریخ یافت.

لادن و لاله زاده فیروزآباد فارس بودند، اما بیشتر عمر خود را در تهران گذراندند.

سرکوب شدن امیرمؤید سوادکوهی که دست به نافرمانی (تمرّد) زده بود

۱۸ تیر ۱۳۰۰ زد و خورد نیروی اعزامی قزاق با افراد امیرمؤید سوادکوهی که در مازندران بنای مخالفت با دولت وقت را گذاشته بود آغاز شد که روز بعد با شکست امیرمؤید و فرار او پایان یافت. این مخالفت با خشونت تمام سرکوب شده بود. احمدآقا خان میر پنج (بعدا سپهبد امیراحمدی) فرمانده قزاق‌های اعزامی، پس از شکست دادن سوادکوهی، خانه و قرارگاه او را به آتش کشید و فرزندانش را هم فراری داد. هدف، ارعاب مخالفان احتمالی دیگر بود. این رویداد چهار ماه و نیم پس از کودتای ژنرال رضاخان که سردار سپه (سپاه) و وزیر جنگ شده بود و خود نیز از مردم سوادکوه بود صورت گرفت.

شعر طنز

عشق آتشین

شاعر: محمد جاوید

گفتم به عیال بنشین پهلویم
تا نکته ی تازه ای برایت گویم
در زندگیم اگرچه مفلس بودم
این راه دراز بی ثمر پیمودم
خوشحالم از اینکه بعدِ مرگم دیگر
اوضاع شما شود یقیناً بهتر
البته اگر شانس شود یاورتان
با ضربه مغزی بروم از بَرتان
هرعضو من از برایتان چون گنج است
یک گنج بدون مالیات و رنج است
با پول فروش هریک از اعضایم
ازفرق سر و تا به کف پاهایم
درهای خوشی به رویتان باز شود
این فصل خزان بهار شیراز شود
چون جمله فروش رفت اعضای بدن
لازم نشود گورکن و پول کفن
این گونه زپول قبرآسوده شوید
وجهی زبرای سنگ طبعاً ندهید
با قلبم و معده و سفیدی و کبد
شش دانگ آپارتمان به نامت بشود
با هر دوی کلیه‌ها و یک دانه طحال
ماشین بخر و زدرد پا هیچ منال
با چشم ودودست و مری و هردوتا پا
اوراق مشارکت بخریا ویلا
بامعده و روده ام بدهکاری‌ها
پرداخت بکن که در عذابم آن جا
مربوطه عیال چون که این گفته شنید
اوضاع که بر وفق مراد خود دید
یک خنده تلخ بر لبش آمد وگفت
تا کی بدهی به همسرت وعده ی مفت
صدچاقوی تو یکی ندارد دسته
گردیده ام از وعده ی بی خود خسته
آیا شود این وعده ی توگردد راست ؟
بیچاره زنت رسد به آن چه می خواست؟
گرراست شود عزای تو گرم کنم
گرچه زوصیتت کمی شرم کنم
یک مجلس ختم آبرومند و خفن
برپای نمایم که بگی !! ایول زن
هروقت دلم برای تو تنگ شود
یا خواست که خاطرات کم رنگ شود
قطعاً بروم سراغ پیوندی‌ها
آن‌ها که خریده‌اند اعضا از ما
با دیدنشان کمی دلم شاد شود
از خوبی و مهربانی ات یاد شود
«جاوید» از این گفته ی زن حیران شد
از شدّت عشق او به خود گریان شد
با سکته ی قلبی و سپس سنکوپ ، مُرد
اعضاء بدن به دردشان هیچ نخورد

کوتاه ورزشی

تفتیان هم طلایی شد، هم جهانی

دونده ایرانی قهرمان آسیا شد. حسن تفتیان دونده تیم ملی ایران موفق شد در فینال ۱۰۰ متر آسیا، به مقام قهرمانی برسد. تفتیان صد متر را توانست در ۱۰,۲۵ ثانیه طی کند تا علاوه بر مدال طلای آسیا، سهمیه مسابقات جهانی را نیز کسب کند. ایران دیروز صاحب دو طلا در پرتاب وزنه و ۱۰۰ متر و یک برنز در دوی ۱۵۰۰ متر شد.

طرفداری پدر از پسر

پدر مهاجم تیم فوتبال پرسپولیس با انتقاد از تصمیم این باشگاه، مبلغ تعیین شده برای صدور رضایت‌نامه را ناعادلانه دانست و گفت: متاسفانه مهدی را به ناحق قضاوت می‌کنند. علیشاه طارمی با انتقاد از صحبت‌های پیشکسوتان باشگاه پرسپولیس، دلایل مهدی طارمی برای جدایی از این تیم را شخصی دانست و تأکید کرد اولویت مهدی برای بازی در تیم اروپایی به دلایل شخصی است نه جام جهانی روسیه. او همچنین مبلغ تعیین شده برای صدور رضایت‌نامه را ناعادلانه خواند و گفت: «مگر چقدر پول داده‌اند که حالا این مبلغ را می‌خواهند؟»

مسئولیت بازوبند جان تری

جان‌تری، کاپیتان انگلیسی تیم فوتبال چلسی، طبق اعلام قبلی خودش از این باشگاه جدا شده و به استون‌ویلا پیوسته است. تیمی که فصل بعد در چمپیونزشیپ رقابت می‌کند. با جدایی تری از چلسی حالا یکی از اصلی‌ترین تغییرات تیم کونته در فصل بعد انتخاب کاپیتان است. کیهیل، آزپیلیکوئتا و داوید لوئیز هر سه می‌توانند در فصل بعد این مسئولیت را بر عهده بگیرند. این در حالی است که در فصل گذشته نیز که جان‌تری اکثر بازی‌ها را از روی نیمکت دنبال می‌کرد، گری کیهیل کاپیتان چلسی بود.

نویل: لوکاکو در یونایتد می‌درخشد

فیل نویل، کاپیتان سابق اورتون و بازیکن سابق منچستریونایتد معتقد است که روملو لوکاکو می‌تواند در یونایتد بسیار درخشان ظاهر شود. به نظر می‌رسد که لوکاکو در آستانه پیوستن به منچستریونایتد قرار دارد و احتمالاً فصل آینده او را با این پیراهن خواهیم دید. این در حالی است که چلسی از حضور او برای فصل بعد مطمئن بود ولی ناگهان تمام معادلات به هم ریخت. حال نویل که تجربه بازی در اورتون و یونایتد را دارد، مدعی شد که لوکاکو می‌تواند به یک ستاره درخشان در یونایتد تبدیل شود.